

نظام‌های آموزشی ایران

با تأکید بر ساختار آموزشی

(قسمت اول)

● دکتر سید محمد کاظم نائینی*

اشاره

انقلاب اسلامی، تمام نظام‌های اجتماعی، اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و آموزشی کشور را الزاماً تحت دگرگونی و تغییر قرار داد. یکی از تغییرات که بیش از هر تغییری، ضرورت آن، از ابتدا محرز شد تغییر بنیادی نظام آموزشی کشور بود که از همان آغاز انقلاب اسلامی، توجه مسئولان آموزش و پرورش را به خود جلب کرد. اما این تغییر اگر چه ساده به نظر می‌رسید، ولی از همان ابتدا سؤالاتی را برانگیخت که مسئولان، در پاسخ آن سؤالات مجبور شدند روند حرکت به سوی هدف را کنند. نمونه‌ای از این سؤالات عبارتند از: نظام آموزشی چیست؟ چه چیز باید تغییر کند؟ شاخص‌ها و معیارهای اصلی نظام کدام است؟ این نظام موجود چه اشکالاتی دارد؟ چه کسانی این نظام را طراحی کرده‌اند؟ و چه هدفی را دنبال می‌کردند؟ نظام آموزشی ایران چه تفاوتی با نظام‌های آموزشی جهان دارد؟ آیا باید با آن‌ها منطبق باشد، یا ویژگی خاص خود را داشته باشد؟ با مطالعه تاریخ تحولات و تغییرات نظام آموزشی ایران مشخص می‌شود که آیا به این سؤالات پاسخ داده شده است یا خیر؟ در این زمینه باید به جستجوی راه‌حلی‌هایی برخاست و برای این کار باید نخست به بررسی تاریخ تحولات آموزش و پرورش جدید در ایران پرداخت. باید تاریخچه نظام آموزشی کشور دقیقاً مورد بررسی و به صورت تطبیقی مورد مطالعه قرار گیرد و تغییرات، انگیزه‌ها و علت تغییرات روشن شود. هدف‌ها، روش‌ها و انگیزه‌ها جداگانه تحلیل و نتایج مورد ارزیابی قرار گیرد. مقاله حاضر گام‌زدنی در این راه است.

ساختارهای نظام آموزشی

نخست مروری داریم بر تاریخچه نظام آموزشی رسمی ایران که از تأسیس دارالفنون (۱۲۳۱ هجری شمسی) آغاز و به دوره جدید آموزش و پرورش کشور ختم می‌شود (۱۳۸۰)، و نیز برای تشریح دقیق این دوره و بررسی علل تغییرات، حرکات و رشد کمی

* عضو هیئت علمی، بازنشسته دانشگاه تهران و عضو هیئت تحریریه فصلنامه گنجینه دارالفنون

و کیفی این نظام، آن را به ۸ دوره متمایز تقسیم می‌کنیم که ابتدا و انتهای هر دوره را یک واقعه تاریخی و قابل توجه در آموزش و پرورش تشکیل می‌دهد و هر کدام نقطه عطفی در نظام آموزشی کشور است. این دوره‌ها عبارتند از:

- ◆ **دوره اول:** از تأسیس دارالفنون (۱۲۳۱ ه.ش.) آغاز و به سال ۱۲۹۰ (تصویب قانون اساسی معارف ایران در مجلس شورای ملی) ختم می‌شود.
- ◆ **دوره دوم:** از تصویب قانون اساسی یا دقیق‌تر سال ۱۲۹۷ (تشکیل شورای عالی معارف) آغاز و به سال ۱۳۱۳ (تأسیس دانشگاه تهران) ختم می‌شود.
- ◆ **دوره سوم:** از تأسیس دانشگاه تهران (اولین دانشگاه رسمی کشور) آغاز و به سال ۱۳۳۲ (کودتای آمریکایی ۲۸ مرداد و ورود مستشاران آمریکایی) ختم می‌شود.
- ◆ **دوره چهارم:** طرح نظام جدید آموزش و پرورش با هدف تغییر فرهنگ و ملی‌گرایی آغاز و به سال ۱۳۴۳ اجرای رسمی نظام جدید آموزش و پرورش ختم می‌شود.
- ◆ **دوره پنجم:** از سال ۱۳۴۳ با نظام جدید آموزش و پرورش آغاز و در سال ۱۳۵۳ با انتشار قطع‌نامه کنفرانس آموزشی رامسر (انقلاب کیفی در آموزش و پرورش) مبنی بر اصلاح نظام جدید آموزشی پایان می‌پذیرد.
- ◆ **دوره ششم:** از سال ۱۳۵۳ آغاز و به انقلاب عظیم اسلامی در سال ۱۳۵۷ پایان می‌یابد.
- ◆ **دوره هفتم:** از سال ۱۳۵۸ بازگشایی مدارس و تشکیل ستاد انقلاب فرهنگی و شروع طراحی تغییر بنیادین نظام آموزش و پرورش و نظام آموزش عالی کشور آغاز می‌شود و به سال ۱۳۷۲ آغاز اجرای نظام جدید آموزش متوسطه که جزئی از طرح تغییر بنیادی نظام بود ختم می‌شود.
- ◆ **دوره هشتم:** از سال ۱۳۷۲ اجرای نظام جدید آموزش متوسطه (نظام واحدی) آغاز می‌شود و این نظام مورد ایراد متصفیان امر وزارت آموزش و پرورش قرار گرفته و در دست بازنگری، بررسی و اصلاح است.

نظام‌های آموزشی نیمه رسمی ایران

بحث در این بخش، در دو مقوله ادامه می‌یابد:

- الف: فراهم شدن مقدمات و زمینه برای طراحی نظام آموزشی رسمی ایران
- ب: شکل‌گیری نظام آموزشی رسمی ایران بعد از دارالفنون

الف. طراحی نظام آموزشی قبل از دارالفنون:

قبل از دارالفنون (حداقل از تأسیس دولت صفویه تا تأسیس دارالفنون) از آموزش و پرورش رسمی و مسئولیت‌پذیری دولت در امر تعلیم و تربیت کودکان و جوانان و تدریس

علوم جدید در مکتب‌خانه‌ها و مدارس دینی خبری نبود. البته در بعضی از مدارس دینی علوم حساب، هیئت و نجوم و ریاضی در کنار دروس دینی تدریس می‌شد.

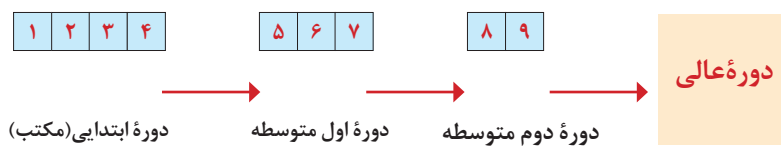
ب. نظام‌های آموزشی رسمی ایران

♦ دوره اول (از ۱۲۷۵ تا ۱۲۹۰ ه.ش.)

اولین نظام آموزشی رسمی ایران در زمان صدارت امین‌الدوله (صدراعظم مظفرالدین‌شاه) و زمان وزارت جعفرقلی‌خان هدایت (نیرالملک) به طور رسمی شکل گرفت. جعفرقلی‌خان فرزند رضاقلی‌خان هدایت، ملقب به لاله‌باشی از فارغ‌التحصیلان اولیه دارالفنون است و به خاطر لیاقت و شایستگی که از خود نشان داد به نظامت مدرسه دارالفنون منصوب شد و در ۱۲۷۸ ه.ق. / ۱۲۴۰ ه.ش. به جای پدرش، ریاست مدرسه دارالفنون را برعهده گرفت و در ۱۲۶۳ شمسی، از طرف ناصرالدین‌شاه لقب نیرالملک را دریافت کرد. نیرالملک مدت چهار سال رئیس دارالفنون بود و در ۱۳۱۴ ه.ق. / ۱۲۷۵ ه.ش. به وزارت علوم منصوب شد و در عین حال ریاست دارالفنون را نیز برعهده داشت. در زمان وی انجمن معارف شکل گرفت و او به ریاست این انجمن منصوب و به کمک این انجمن، در همان مراحل اولیه، خدمات زیادی به پیشرفت معارف و توسعه مدارس ایران مبذول داشت.

قبل از نیرالملک سطوح آموزشی مدارس نامشخص بود. نیرالملک دوره‌هایی را برای مراتب تحصیل تعریف و تعیین کرد و به تصویب انجمن معارف رسانید و این اولین نظام آموزشی کشور است که به طور رسمی شکل می‌گیرد. در این نظام مدت تحصیل در مکاتب ابتدایی چهار سال بود و شاگردان، در ابتدای سن هفت سالگی، وارد مدرسه شده و در سن ۱۲ سالگی دوره ابتدایی را تمام می‌کردند و پس از آن دوره متوسطه شروع می‌شد و مدت تحصیل در دوره متوسطه ۵ سال بود که به دو دوره سه ساله و دو ساله تقسیم می‌شد و به فارغ‌التحصیلان دانشنامه‌ای با عنوان پنجم علمی اعطا می‌شد تا از مزایای قانونی آن بهره‌مند شوند.

جدول شماره ۱ ساختار نظام آموزشی ایران از سال ۱۲۷۵ تا سال ۱۲۹۰ هجری شمسی



فارغ‌التحصیلان این دوره می‌توانستند به دوره‌های عالی طب و جراحی، فلاحه، رشته‌های نظامی (پیاده، سواره نظام و توپخانه)، حقوق سیاسی و دیگر رشته‌های

دارالفنون مانند مهندسی، داروسازی و کانی‌شناسی و علوم دینی در مدرسه حاج میرزا حسین خان سپهسالار و زبان‌های خارجی در مدرسه مشیریه وارد شوند.

محتوای نظام در ابتدایی، خواندن و نوشتن زبان فارسی و حساب، تاریخ و جغرافیا و علم‌الاشیاء و در دوره متوسطه ریاضیات، علوم طبیعی و مبانی علوم فیزیک و شیمی و ادبیات فارسی از روی منابعی بود که توسط استادان دارالفنون یا فارغ‌التحصیلان آن نوشته می‌شد. سبک مشخصی برای آموزش جز در آموزش زبان فارسی در دوره ابتدایی وجود نداشت و هر مدرس، روشی خاص، برای آموزش درسی که برعهده داشت به کار می‌برد. میرزا حسن خان رشیدیه، مؤسس اولین دبستان ابتدایی در ایران، برای آموختن زبان فارسی به کودکان، روش خاصی را ابداع کرده بود که مورد استقبال مردم قرار گرفت و این شیوه در تمام مدارس ابتدایی جدید مورد استفاده معلمان بود.

این نظام تا ۱۲۹۰ هجری شمسی که اولین قانون اساسی معارف به تصویب مجلس شورای ملی رسید ادامه داشت، و روزبه‌روز به وسعت و دامنه اجرایی آن در مدرسی که به سبک جدید در همه شهرهای ایران یکی پس از دیگری افتتاح می‌شد افزوده می‌گردید. در این زمان لزوم تغییر نظر در محتوی و عمومی کردن آموزش در سطح کل کشور و تغییر شکل نظام آموزشی محسوس گردید و موضوع بحث جلسات شورای معارف قرار گرفت. **قانون اداری وزارت معارف، اوقاف و صنایع مستظرفه** در ۲۸ شعبان‌المعظم ۱۳۲۸ هجری قمری برابر ۱۱ شهریور ماه ۱۲۸۹ هجری شمسی به تصویب مجلس شورای ملی رسید و برای اجرای صحیح این **قانون شورای معارف** به صورت یک نهاد قانونی رسمیت یافت و این شورا نیز در اولین اقدام خود، **قانون اساسی معارف ایران** را در ۲۸ ماده تهیه کرد و در نهم آبان ماه ۱۲۹۰ (شمسی) به تصویب مجلس شورای ملی رسانید.

در این قانون به اصول نظام آموزشی و همه مواردی که اجرای این نظام را ممکن می‌سازد اشاره شده است.

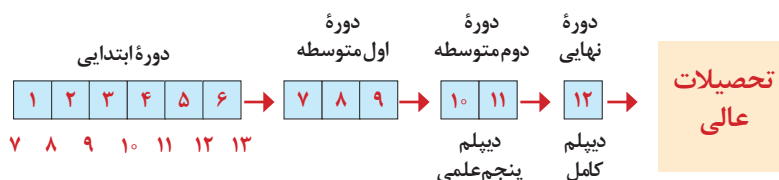
♦ دوره دوم (۱۲۹۰ تا ۱۳۱۳ ه.ش.)

نظام آموزشی ایران از ۱۲۹۰ ه.ش. (تصویب قانون اساسی معارف) تا ۱۳۱۳ (تأسیس دانشگاه تهران)

وزارت علوم، در زمان ناصرالدین‌شاه قاجار و در ۱۲۷۵ ه.ق. / ۱۲۳۷ ه.ش. تشکیل شد، ولی در ابتدا، بیشتر جنبه تشریفاتی داشت و وزرای انتخابی شاه، اختیار چندانی برای اداره معارف کشور جز اجرای اوامر شاه نداشتند^۱. ولی همین اقدام اولین زمینه را برای توسعه علوم و شکل‌گیری نظام آموزشی در کشور فراهم کرد. در این سال علی‌قلی میرزا اعتضادالسلطنه که به وزارت علوم منصوب شد^۲، در اولین اقدام ۴۲ نفر از فارغ‌التحصیلان اولین دوره دارالفنون را برای تحصیل علوم به

فرانسه اعزام کرد. وزرای بعدی نیز گام‌هایی در جهت توسعه معارف کشور برداشتند ولی چندان فراگیر و چشمگیر نبود. وزارت علوم به طور رسمی پس از صدور فرمان مشروطیت (۱۳۲۴.ق. / ۱۲۸۵.ش.) و در آغاز کار دوره اول مجلس شورای ملی و معرفی کابینه به تعداد ۸ وزیر برای ۸ وزارتخانه و رأی اعتماد نمایندگان تشکیل گردید ولی ضوابط و مقررات خاصی نداشت. امور مربوط به علوم، آموزش و پرورش و معارف کشور توسط شورای معارف برنامه‌ریزی و به دست وزیر به مرحله اجرا در می‌آمد. این شورا نیز فاقد مجوز قانونی بود که حدود وظایف آن را معین کند و به مصوبات آن رسمیت بخشد، تا اینکه چهار سال بعد قانون اداری وزارت معارف، اوقاف و صنایع مستظرفه در ۱۱ شهریور ماه ۱۲۸۹.ش. به تصویب مجلس شورای ملی رسید.^۳ مطابق این قانون تمام سازمان‌های تربیتی، مؤسسات آموزشی، مدرسه‌ها و مراکز آموزش عالی، زیر نظر وزارت معارف قرار گرفت. در همین قانون مقرر شد که شورایی با وظایف معین در رأس وزارتخانه، به نام شورای عالی معارف، تشکیل شود و این شورا با تهیه و تصویب قانون اساسی معارف کشور، اجرای قانون اداری وزارت معارف را امکان‌پذیر سازد. چنانکه اشاره شد، قانون اساسی معارف کشور در نهم آبان ماه ۱۲۹۰.ش. و قانون تشکیل شورای عالی معارف در ۲۰ اسفند ماه ۱۳۰۰.ش. به تصویب مجلس شورای ملی رسید. علت وقفه ده ساله در تشکیل شورای عالی معارف و تعلل در اجرای قانون اساسی تعلیم و تربیت کشور، به خاطر وضعیت سیاسی داخلی کشور و شروع جنگ جهانی اول بود که در این سال‌ها مدارس وابسته به کشورهای خارجی در ایران، منحل و دیگر مدارس ایرانی نیز از نظام و ثبات کافی برخوردار نبود. شورای عالی معارف در اولین اقدام خود اهداف دوره‌های مختلف آموزشی (ابتدایی، متوسطه و عالی) را تعیین و نظام جدید آموزشی را به شکل زیر طراحی کرد:

جدول شماره ۲ ساختار نظام آموزشی ایران از سال ۱۲۹۰ تا سال ۱۳۱۳ هجری شمسی



در این نظام، کودک، از ابتدای ۷ سالگی دوره ابتدایی را با عنوان دوره عمومی به مدت ۶ سال می‌گذراند و در پایان دوره در یک امتحان نهایی (سراسری در شهر یا استان) زیر نظر اداره معارف شهر شرکت کرده به شرط قبولی به دریافت تصدیق ۶ ساله ابتدایی نایل می‌شد. اهداف این نظام در دوره ابتدایی به شرح زیر بود.

اهداف تعلیمات ابتدایی

مصوب چهارمین جلسه شورای عالی معارف (دوشنبه ۱۳ جوزای سیچانئیل ۱۳۰۳ شمسی)

بسم الله الرحمن الرحيم

موضوع: تعلیمات ابتدایی

مقصود از تعلیمات ابتدایی آن است مطالبی را که دانستن آن‌ها بر هر کس لازم است به اطفال بیاموزند:

خواندن و نوشتن و حساب کردن؛ شناختن اشیائی که انسان را احاطه کرده و دانستن قواعد آن‌ها؛ آموختن اصول احکام اسلامی و تحکیم حُب دیانت و معرفت اینکه فوق زندگانی مادی و جسمانی زندگی دیگری است که حاوی لذائذ ابدی و تمتعات سرمدی است؛ دوستی خانواده و ابناء نوع و وظایف انسانیت؛ حب وطن و علل و نتایج آن خصوصاً مقامی را که وطن ما در این کره حائز است و مساعی و مجاهداتی که برای اعلاء و ترفیع آن باید به کار برد؛ دانستن وقایع مهمه تاریخیه که سبب تشکیل اوطان مختلفه شده و طریقی را که اهل هر مملکت برای ارتقاء به درجات عالیه عظمت و ثروت و تمدن پیموده و می‌پیمایند؛ قواعد حفظ الصحه و ورزش بدن که باعث تقویت قواء جسمانیه و روحانیه می‌شود.

دانش‌آموزان پس از موفقیت در امتحان نهایی ۶ ساله ابتدایی (که اسامی قبول‌شدگان در جراید محلی منتشر می‌شد) اجازه داشتند که در دبیرستان‌های هر شهری که مایل بودند، ثبت‌نام کنند. دبیرستان‌ها نیز به ترتیب میانگین نمرات امتحانی آن‌ها را می‌پذیرفتند و دبیرستان‌ها هم دو نوع بودند: دولتی و خصوصی، و مدارس دولتی رایگان بود ولی گاهی انجمن مدرسه، دانش‌آموزان را ملزم می‌کرد که هنگام ثبت‌نام، مبلغی را به‌عنوان شهریه، بپردازند. این ورودیه برای ده نفر اول (عشر اول) امتحان نهایی شهر و دانش‌آموزان ممتاز رایگان بود.

دوره دبیرستان ۵ سال بود که به دو مرحله ۳ ساله (سیکل اول عمومی) و ۲ ساله سیکل دوم (اختصاصی) تقسیم می‌شد. سیکل دوم متوسطه منحصرأ دارای یک رشته تحصیلی بود.

شاگردان در مرحله دوم به دریافت گواهینامه اتمام تحصیلات متوسطه علمی (یا پنجم علمی دبیرستان) نایل می‌شدند و می‌توانستند وارد بازار کار شوند یا به معلمی دوره ابتدایی به استخدام اداره معارف درآیند. کسانی که می‌خواستند به دریافت دیپلم کامل متوسطه، که شرط ورود به دوره عالی بود، نایل شوند می‌بایستی یک سال آخر (کلاس ۱۲) را نیز در یکی از مدارس شهر طی کرده و در پایان سال (معمولاً خرداد ماه) در یک امتحان نهایی سراسری در سطح کشور شرکت کنند. امتحان نهایی برای دریافت دیپلم کامل متوسطه زیر نظر وزارت معارف به طور سراسری انجام می‌شد و سؤالات کلاً از مرکز

**دارندگان دیپلم
کامل متوسطه
از مزایای قانونی
زیادی در جامعه
برخوردار بودند
علاوه بر آنکه
به سهولت
می‌توانستند
وارد دوره‌های
آموزش عالی شده
یا مجوز اعزام به
دانشگاه‌های خارج
کشور را دریافت
کنند**

(لاک و مهرشده) توسط بازرسان وزارت، به شهرستان‌ها یا حوزه‌های امتحانی فرستاده می‌شد. لاک و مهر سؤالات در جلسه امتحان، با نظارت هیئت ممتحنه، رئیس امتحان و مراقبین و رئیس اداره معارف و بازرس اعزامی از مرکز گشوده و برای دانش‌آموزان قرائت می‌شد و آنان موظف بودند به این سؤالات پاسخ دهند اوراق امتحانی نیز به مرکز ارسال می‌شد و پس از تصحیح نمرات آن و فهرست قبول شدگان از مرکز اعلام می‌شد.

دارندگان دیپلم کامل متوسطه از مزایای قانونی زیادی در جامعه برخوردار بودند. علاوه بر آنکه به سهولت می‌توانستند وارد دوره‌های آموزش عالی شده یا مجوز اعزام به دانشگاه‌های خارج کشور را دریافت کنند به سهولت می‌توانستند در ادارات دولتی حتی در سطوح مدیریت به استخدام دولت درآیند.

این نظام تا ۱۳۱۳- تأسیس دانشگاه تهران- به همین صورت ادامه داشت، ولی گاهی توسط سلاطین مدیران حاکم بر بعضی از مؤسسات آموزشی، تغییراتی اندک در آن پدید می‌آمد و چون نظارتی نبود حساسیتی نیز مشاهده نمی‌شد. اداره مدارس در آن زمان بخش کوچکی از واحدهای وزارت علوم را به خود اختصاص می‌داد. سازمان اداری وزارت علوم که از زمان ناصرالدین‌شاه شکل گرفته بود عبارت بود از اداره مدارس، اداره اوقاف، اداره مطبوعات، اداره حفريات (باستان‌شناسی) و موزه‌ها، اداره مطبعه دولتی و اداره ابنیه عتیقه. در ۱۳۰۵ وقتی که میرزا احمدخان بدر (نصره‌الدوله) وزیر معارف، لایحه تعلیمات عمومی را به مجلس شورای ملی (دوره پنجم) تقدیم می‌کرد گفت: «اولین قدمی که برای ایجاد تعلیمات ابتدایی مجانی برداشته شد در سنه ۱۲۹۷ ه.ش. بود که چهل باب مدرسه ذکور و اناث در طهران از محل صد و یک حقوق و متجاوز از دویست باب در ولایات از محل اضافه مالیات تومانی یک عباسی و خرواری یک قران تأسیس گردید و از آن بعد، فقدان وسایل مادی و علل و اسباب اجتماعی مساعدت نمی‌شود که بیش از این مقدار در اجرای آن وظیفه قانونی، وزارت معارف، سعی و اهتمام نماید ولی با تقدیم لایحه جدید تعلیمات عمومی متجاوز از یکصد و سی هزار طفل مشغول تحصیل خواهند شد.»^۴

در این طرح حداکثر سنوات تحصیل چهار سال و حداکثر ساعات درس در سال نهصد ساعت بود و در هر محلی که لااقل ۸۰ نفر طفل مدرسه‌رو وجود داشت یک مدرسه باید تأسیس می‌شد و به دولت اجازه می‌داد که مبالغی به شرح زیر علاوه بر پولی که به مصرف معارف می‌رسیده است به مصرف تعلیمات ابتدایی برساند.

«در سال ۱۳۰۵ شصت هزار تومان، در سال ۱۳۰۶ یکصد و شصت هزار تومان، در سال ۱۳۰۷ دویست و شصت هزار تومان، در سال ۱۳۰۸ سیصد و شصت هزار تومان و در سال ۱۳۰۹ پانصد هزار تومان، وجوه مذکور فوق از بابت صدی نیم عایدات املاک اربابی که تخصیص به معارف داده شده محسوب خواهد شد و مصارف اولیه مدارس ابتدایی از قبیل ساختمان و خرید عمارت و اثاثیه و کتب ابتدایی و خرج سفر معلمین از مبالغ منظوره در فوق به عمل خواهد آمد.»^۵

لایحه تعلیمات عمومی در حقیقت طرح سوادآموزی و مکمل و موازی نظام آموزش رسمی کشور بود که به مجلس تقدیم می‌شد. ولی این لایحه مشکلات نظام را حل نمی‌کرد چه در همان گزارشی که وزیر علوم (نصرت‌الدوله) به مجلس می‌دهد اظهار می‌دارد: «انتظار می‌رود که با اجرای این طرح، ثلث اطفال مدرسه‌روی مملکت به تحصیل مشغول شوند». تشکیل کلاس‌های سوادآموزی (اکابر) که محدودیت سنی نداشت و تأسیس ۱۰ باب مدارس مجانی شبانه (از اول مهرماه ۱۳۰۵) در دوره‌های شش ماهه در کنار تعلیمات عمومی تلاشی بود که در اصلاح نظام آموزشی صورت می‌گرفت که پاسخگوی نیاز کشور نبود. نیاز دستگاه‌های اجرایی به نیروی انسانی تحصیل کرده تقاضا برای ورود به مدارس را روزبه‌روز، افزایش می‌داد و امکانات اندک وزارت معارف، پاسخگوی این تقاضا نبود. مدارس عالی نیز که تعداد آن‌ها بسیار اندک بود^۶، دانشجویان خود را از محصولات رسمی این نظام طلب می‌کردند و برای آماده‌سازی دانشجویان برای ورود به این مؤسسات، ناگزیز تغییراتی را در شکل نظام، مدت تحصیل، محتوای دروس، کمیت و کیفیت تدریس، خواهان بودند. مدارس عالی توسط فارغ‌التحصیلان دارالفنون و تحصیل کرده‌های ایرانی (دانشجویان اعزامی به خارج) که به کشور باز می‌گشتند دایر می‌شد. در آن زمان تعداد این مؤسسات با شعب مختلف دارالفنون از تعداد انگشتان دست تجاوز نمی‌کرد معینا ورودی‌های این مراکز که از مدارس متوسطه خارج می‌شدند آنقدر کم بود که نه‌تنها نیاز کشور را تأمین نمی‌کرد بلکه برای معدود مؤسسات آموزش عالی، حداقل نیاز و ظرفیت پذیرش آن‌ها را تکمیل نمی‌کرد^۷ و این مؤسسات ورودی‌های خود را گاهی از فارغ‌التحصیلان سه ساله اول متوسطه و حتی از دارندگان مدرک ابتدایی می‌گرفتند.^۸ مدارس عالی در ایران غیر از دوره‌های دارالفنون طبق گزارش سالنامه‌های رسمی وزارت معارف بین سال‌های ۱۳۰۰ تا ۱۳۱۳ عبارت بودند از:

♦ **مدرسه عالی حقوق و سیاسی.** که پس از دارالفنون اولین مدرسه عالی

در ایران است که در ۱۳۱۷ ه.ق. / ۱۲۷۸ ه.ش. تأسیس شد و محصلین خود را با مصاحبه می‌پذیرفت. میرزا علی‌اکبر دهخدا از محصلان این مدرسه بود. این مدرسه عالی با برنامه و استادان به نام در سال ۱۳۰۶ به طور رسمی افتتاح شد و علامه دهخدا به ریاست این مدرسه منصوب شد.^۹

♦ **مدرسه صنعتی دولتی.** دارای رشته‌های فنی تجاری، دباغی، آهنگری

و دوره‌های مهندسی (راه و ساختمان) مهندسی مکانیک و داروسازی این مدرسه در ۱۵ شهریور ۱۳۰۵ به ریاست دکتر اشترونک افتتاح شد.

♦ **دارالمعلمین مرکزی.** که در ۱۲۹۷ ش. برای تربیت معلم به مدیریت ابوالحسن

فروغی تأسیس شد. دارالمعلمین مرکزی در ۱۳۰۷ به دارالمعلمین عالی تبدیل

گردید و در قانون تربیت معلم (۱۳۱۲ ه.ش.) نامش به دانشسرای عالی تبدیل شد. دارالمعلمین عالی دارای دو قسمت علمی (ریاضیات، طبیعیات، فیزیک و شیمی) و ادبی (ادبیات، فلسفه، تاریخ و جغرافی) بود و در ۱۳۱۳ به دانشگاه تهران ملحق شد (دائرةالمعارف، جلد اول، ص ۹۳۶)

♦ **مدرسه عالی طب.** از ابتدای تأسیس دارالفنون یکی از شعب نه‌گانه دارالفنون بود: مهندسی، توپخانه، پیاده نظام، طب، ریاضی، فارسی، موزیک، نظامی و نقاشی. این مدرسه در ۱۲۹۷ ه.ش. با نام مدرسه عالی طب به ریاست دکتر محمدحسن لقمان ادهم از دارالفنون جدا شد. در ۱۳۰۱ مدرسه داروسازی تأسیس و به این مدرسه اضافه شد و در ۱۳۱۳ در دانشگاه تهران متمرکز گردید و مدرسه‌های دندانسازی و قابلگی نیز به آن ملحق گردید.

♦ **مدرسه عالی سپهسالار.** یا مدرسه ناصری در ۱۲۹۶ ق. توسط میرزا حسن‌خان سپهسالار شروع و پس از او توسط برادرش میرزا یحیی‌خان مشیرالدوله ساختمان آن تمام و آماده شد و دانشکده معقول و منقول در این مدرسه تأسیس گردید.

♦ **مدرسه عالی نظام.** در ۱۲۹۶ ه.ش. توسط مشیرالدوله (حسن پیرنیا) تأسیس شد که دو سال آخر دوره ده ساله نظام بود که از ابتدا، مدرسه صاحب‌منصبی نامیده می‌شد. دو بخش اول آن، دبستان نظام و دبیرستان نظام بود. دارالفنون در این زمان کم‌کم قدرت و اعتبار خود را از دست می‌داد و متصدیان امر کمتر به پیشرفت علمی و توسعه آن توجه داشتند و توجه آنان بیشتر به خارج کشور معطوف بود و شاگردان دارالفنون کم‌کم منحصر به طبقات متوسط جامعه می‌شد که مورد خاص اشراف نبود. فکر تأسیس دانشگاه بزرگ همانند کشورهای اروپایی در اواخر دوره پنجم مجلس شورای ملی در ذهن نمایندگان مجلس خطور کرد و با طرح سؤالات حتی به صورت استیضاح از وزیر معارف (آقای تدین) دولت را موظف کردند که در این زمینه اقداماتی صورت داده و به مجلس گزارش نماید (مذاکرات مجلس ۱۳۰۵) و همین اقدامات بود که سرانجام به تأسیس دانشگاه تهران در ۱۳۱۳ انجامید و با تأسیس این دانشگاه، نظام آموزشی کشور نیز به تغییرات، اصلاحات و بازنگری کلی نیازمند گردید. تا برنامه‌ها و محتوای نظام با اهداف دانشگاه هماهنگ شده و شرایط برای ورود به نظام آموزش عالی فراهم گردد.

(ادامه دارد)

منابع

۱. انقلاب کیفی در آموزش و پرورش ایران، (مهرماه ۱۳۵۴)، بخشی از شماره اول ماهنامه آموزش و پرورش.
۲. اطلس ملی ایران، «آموزش عمومی، جلد ۷، چاپ اول، (۱۳۷۷)، سازمان برنامه و بودجه و سازمان نقشه‌برداری کشور جمهوری اسلامی ایران، (صفحه ۱۰ و ۱۱)».
۳. بررسی مقدماتی کیفیت اجرای دوره راهنمایی تحصیلی در نظام جدید آموزش و پرورش، (مرداد ۱۳۵۳)، مؤسسه تحقیقات و برنامه‌ریزی علمی و آموزشی، وزارت علوم و آموزش عالی.
۴. صبح خیز، ناصر و پرویز سلیمی، راهنمای بین‌المللی نظام‌های آموزشی، دفتر تحقیقات و برنامه‌ریزی و تألیف کتاب‌های درسی وزارت آموزش و پرورش، اردیبهشت ماه ۱۳۶۱ (از صفحه ۱ تا ۲۵)، «نگاهی گذرا به نظام‌های آموزشی ایران»، مقدمه به قلم سید محمد کاظم نائینی.
۵. صورت خلاصه مذاکرات جلسات شورای عالی معارف سال ۱۳۴۱ هجری قمری، از اولین جلسه تا جلسه ۵۳ (جلد اول نسخه خطی موجود در دبیرخانه شورای عالی آموزش و پرورش).
۶. کلیات نظام آموزش و پرورش جمهوری اسلامی ایران، مصوب شورای تغییر بنیادی نظام آموزش و پرورش، خرداد ۱۳۶۷.
۷. کلیات نظام جدید آموزش متوسطه، اردیبهشت ماه ۱۳۷۲، وزارت آموزش و پرورش.

پی‌نوشت‌ها

- * عضو هیأت علمی دانشگاه تهران، دبیر شورای عالی برنامه‌ریزی، اولین مدیر کل دفتر برنامه‌ریزی و تألیف کتب درسی نظری.
۱. ناصرالدین شاه قاجار یک بار در ۱۲۷۱ ه.ق. مجلسی به نام شورای دولتی و بار دیگر در ۱۲۷۵ ه.ق. مجلسی به نام دارالشورای کبری، چیزی شبیه به هیئت دولت تشکیل داد و می‌خواست شغل وزارت را به صورتی شبیه به آنچه در ممالک اروپا بود در آورد که با طبع مستبدش سازگار نیفتاد. در اولین فرمانی که صادر کرد (۱۲۷۵ ه.ق.) ۶ وزیر مسئول با ۶ وزارتخانه به وجود آمد (وزارت داخله، وزارت خارجه، وزارت مالیه، وزارت عدلیه، وزارت لشکر و وزارت معارف) که پس از افتتاح دارالفنون، وزیر معارف همان رئیس دارالفنون بود که از طرف شاه منصوب می‌شد و این جریان ادامه داشت تا صدور فرمان مشروطیت (۱۳۲۴) که در این سال اولین کابینه با ۸ وزیر و ۸ وزارتخانه تشکیل شد که اولین آن وزارت علوم بود و دیگر وزارتخانه‌ها عبارت بودند از وزارت داخله، وزارت خارجه، وزارت مالیه، وزارت عدلیه، وزارت لشکر، وزارت تجارت و وزارت معادن، طرق و شوارع (دائرةالمعارف فارسی، ج ۳، ذیل واژه وزارت).
 ۲. حتی سه سال قبل از ایجاد وزارت علوم- تقریباً ۴ سال پس از تأسیس دارالفنون (۱۲۷۲ ه.ق.)- وقتی که ناصرالدین شاه عقیلی میرزا اعتضادالسلطنه را به سمت رئیس دارالفنون انتخاب کرد او را وزیر علوم نامید.
 ۳. پس از تشکیل مجلس شورای ملی و معرفی وزرا به مجلس، وزارت علوم به وزارت معارف، اوقاف و صنایع مستظرفه تغییر نام داد و در دوره دوم مجلس در ۲۸ شعبان المعظم ۱۳۲۸ ه.ق. / ۱۱ / سنبله ۱۲۸۹ ش. قانون اداری این وزارتخانه به تصویب رسید و با تصویب این قانون نظام آموزشی کشور از سطح ابتدایی تا عالی شکل رسمی به خود گرفت.
 ۴. باید توجه داشت که اصل ۱۹ متمم قانون اساسی (مصوب نهم شعبان ۱۳۲۵ ه.ق. / ۱۲۸۶ ش.) مسئولیت اداره مدارس را به دولت واگذار کرده بود و دولت را به ایجاد نظام آموزشی و اداره مدارس (رایگان) برای عموم موظف می‌ساخت:
- اصل ۱۹: تأسیس مدارس با مخارج دولتی یا ملی و تحصیل اجباری باید مطابق قانون «وزارت علوم و معارف» مقرر شود و تمام مدارس و مکاتب باید تحت ریاست و مراقبت وزارت علوم و معارف باشد.
- نیز شاگردانی که دارای تصدیق مدرسه ابتدایی باشند می‌توانند داخل قسمت عالی (مهندسی، میکاتیک یا داروسازی) شده در این صورت دوره تحصیلی آنها نه سال خواهد بود.
۵. مذاکرات مجلس پنجم شورای ملی ۱۳۰۵.
 ۶. در سالنامه وزارت معارف ۱۳۰۵ تعداد مدارس ایران به شرح زیر گزارش شده است:
 ۷. «مدارس عالی در تهران ۲ باب (طب و داروسازی- حقوق و سیاسی)، مدارس متوسطه ۱۲ باب، جمع مدارس ۷۴ باب».
 ۷. برای اطلاع بیشتر به متن آگهی زیر که در روزنامه اطلاعات ۱۲ شهریور ۱۳۰۵ چاپ شده است توجه کنید:
- «مدرسه صنعتی دولتی از ۱۵ شهریور مفتوح خواهد گشت. شرایط دخول برای شاگردان نجاری، دباغی، آهنگری ارائه تصدیق ۶ ساله ابتدایی است. شاگردان این قسمت نباید بیش از ۱۵ سال داشته باشند و دوره تحصیلی این قسمت چهار سال خواهد بود. برای دخول در قسمت عالی (مهندسی، میکاتیک یا داروسازی) شاگردان باید تصدیق سیکل اول متوسطه را داشته و سن آنها بیش از ۱۸ سال نباشد. دوره تحصیلی این قسمت شش سال خواهد بود.
۸. نتیجه امتحانات نهایی و عده قبول شدگان در ۱۳۰۵: مدرسه طب ۱۱ نفر، داروسازی ۲۰ نفر، حقوق ۳۲ نفر، شش ساله متوسطه ۹۳ نفر، سه ساله متوسطه ۱۷۸ نفر، ششم ابتدایی ۴۰۴ نفر که ۴۸ نفر آنها دختر بود.
 ۹. برنامه و استادان این مدرسه که تحت ریاست علامه دهخدا اداره می‌شد عبارت بودند از: ۱- سیداسدالله مدرس قمی (معلم قسمتی از فقه) ۲- مسیو هیس (معلم ثروت و مالیه و حقوق تجارت و اقتصادی روستایی) ۳- مسیو فراسون (معلم سیاست خارجی و حقوق بین‌الملل عمومی و جغرافیای اقتصادی) ۴- منصورالسلطنه عدل (معلم اصول محاکمات حقوقی) ۵- مترجم الممالک قریب (معلم تقریر علم ثروت و حقوق اساسی و عمومی) ۶- میر سیدمحمد قمی (معلم ثبت اسناد و املاک) ۷- عیسی صدیق اعلم (معلم اصول تشکیلات معارفی ایران و ممالک معظمه و تقریر تاریخ سیاسی) ۸- صدیق حضرت (معلم تشکیلات اداری ایران و قوانین استخدام و حقوق اساسی ایران) ۹- میرزا جوادخان عامری (معلم تقریر حقوق مدنی) ۱۰- میرزا علی آقا هیات (معلم منطق) ۱۱- میرزا ابوالقاسم خان فروهر (معلم سجل احوال و احصائیه) ۱۲- محمدتقی ملک‌الشعرای بهار (معلم ادبیات و فقه) (سالنامه معارف ۱۳۰۶).